ولید پوپل ۲۰۱۶/۱۰/۲۰

سیاست رنگین کمان

علم سیاست عبارت است از تدبیر امور کشور به گونه های مختلف امور زندگی در یك ملت می باشد. یعنی هدف بازی گران سیاسي ارزشها و ضد ارزشها ها را معلوم می سازند. مفهوم سیاست همیشه وسیع است که در موضوعات مختلف می تواند به کار رود، اما تعریف علم سیاست به ادارهٔ کشور بر میگردد. اولویت دادن پروژههای صنعتی، فرهنگی، اقتصادی و دیگر پروژهها به طوریکه تمام مردم یك جامعه از ان بهره گیرند، چه کوتاه مدت و چه دراز مدت طرح ریزی می گردد، مثلا یك قدرت بزرگ به خاطر جمع اوری پول از چندین کشور سیاست را به کار می اندازد تا از سرمایه گذاران پول جمع اوری نماید.

در تمام جهان دو قدرت وجود دارد که مردم را کنترول میکند: (سیاست مداران و سرمایه داران)

سیاست مداران همیشه سیاست را طرح مي کند تا از سرمایه داران پول جمع اوری نماید همین طور سرمایه داران کوشش داران تمام مردم را در جامعه زیست خود شان توسط فراهم نمودن کار و پول تمام توده را در قید خود داشته باشند.

در سیستمهای حکومتی مختلف میزان رشوه خواری کارکنان دولت و اشخاص خیلی مذهبي متعصب و یا اجنبی پرستان میتواند در نابود سازی سیاستهای اصلی نقش بسزایی داشته باشند.

که کشور ما افغانستان غرق این صدمه سیاسي مي باشد. بسیاری از فیلسوفان و سیاستمداران باور دارند که سیاست باید از دین جدا باشد تا به صورت درستی برای مملکت ثمر دهد.

سیاست با رشتههای دیگر هم تداخل دارد؛ ازجمله: اقتصاد، حقوق، روان شناسي، تاریخ، مردم شناسی، حقوق شناسي، سیاست عمومی، سیاست ملی، ارتباطات بین الملي، سیاست تطبیقی، جامعه شناسي موسسات سیاسی و نظریه های سیاسی. گرچه قرن نوزدهم را زمان تدوین تمام شاخههای علوم اجتماعی می دانند، اما علم سیاست در زمان افلاطون به میان آمد.

تحلیل سیاسی به انسان کمک می کند تا جهانی و محیط را که در آن زندگی می کند بهتر بشناسد و از میان قضیه ها گوناگون پیش بیني عقلی خویش و دیگران بهترین سیاست را به خاطر رفاه ملت انتخاب کند و بالاخره موفق شود به تغییرات کوچک و بزرگ که هر کدام یکی از جنبه های لا ینفک زندگی مردم در یك جامعه می باشند، تاثیر بیشتر ببخشد.

اما وقتی سیاست خیلی بلند و پیشرفته باشد و یا سیاست پراگنده چندین رقم خیلی عمیق پیچیده و آن هم سیاست طالبان بدون دفتر دیوان هدف، فهم آن برای مسولین سیاسي و ملت خیلی مشکل است مانند کشور ما افغانستان که در بین طالبان چندین فرقه و هر فرقه به گروپ ها مختلف و بلاخره هر طالب اندیشه خاص خود را دارد و در عین حال مجموع اسلحه داران کشور پیرامون افکار دیگران روان هستند.

در داخل کشورمردم افغانستان در همین شب روز دشوار ترین روزگار را سپری مي نماید، که نمی دانند کشور به کدام طرف روان است و با کی یکجا شده، دوست کی باشد و با کی دشمن؟

در مملکت ما چندین دلیل وجود دارد که باید تشنج فعلی ادامه یابد.

این همین سیاست امروز است که از دست افغان ها هیچ کاره پوره نیست یعنی در سطح بلند، قوت های بزرگ است که به خاطر منافع خود شان یك نوع تشنج را به میان آورده اند تا همه کشور ها را متوجه نا امني در داخل منطقه آسیا نمایند و تادیه نمودن پول شان یعنی کشورها اروپایي و آسیایي را در صندوق کمك برای افغانستان صد فیصد سازد اینکه چقدر به جیب مردم و بیت المال افغانستان مي رود معلوم نیست چرا که نماینده های شان در داخل کشور در قدرت اند بعداً همین نماینده ها ارقام نا درست را صحت ملاحظه نموده و کسی حق ندارد که اسناد قرارداد ها را تعقیب نمایدممکن در آینده کسي حق حساب دادن و شکایت را نخواهد پیدا نماید.

امروز در افغانستان مبارزه ها که به مقابل دولت جریان پیدا کرده است مفکوره های مختلف داشته و هر سیاست جداگانه یك نوع هدف خاص خود را دارد.

نخست یك تعداد کارکنان دولت و رسانه های آزاد از جمله طبقات ضد رژیم هستند که آگاهانه و یا ناگاهانه دولت و حکومت را روحیه ضعیف داده می رود، قبل از انکه افراد مسلح بالای دولت حمله نمایند در داخل رژیم توسط همین اشخاص سیستم نیمه افراشته را به طرف سقوط سوق می دهند. چرا که سیستم درست در کشور تا به حال ایجاد نشده است.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

همین طور مجموع طالبان که هر کدام ذهنیت مختلف دارند، کدام سیستم خاص نه در زمان اقتدار حکومت خود شان داشتند و نه فعلاً به کدام خط منظم مشترك مبارزه معین روان هستند.
ولی هدف عمومي شان همین است تا رژیم مرکزی را تخریب نمایند از سوي دیگر رژیم کابل کوشش دارند تا با ایشان صلح نموده یکجا شود.
حامد کرزي، اشرف غني و عبدالله عبدالله، طرف داران رباني گیلاني، حکمتیار و غیره کسانیکه طرف دار صلح و آشتی با طالبان هستند با تاسف نفمیدند که مجموع طالبان در افکار جداگانه قرار دارند، نمی توان همه ایشان را با یك نظر و یك اندیشه تعین سیاسي نموده و یا نزدیك قانون اساسي کشور ساخت علاقمندان صلح و آشتی باید بدانند:

- طالبان چند رقم هستند ؟
- طالبان کي ها هستند ؟
- چی مي خواهند ؟
- چرا وجود دارد ؟
- چرا تا دم مرگ در مبارزه اند؟
- چرا پاکستان و ایران در طالب سازي و ضد کشوري سازي علاقه دارد؟

این سوال ها است که در یك جواب ختم نمی شود.
منسجم نمودن طالبان نه براي خود شان آسان است و نه برای کشور های همسایه و نه برای دولت کابل این یك نوع انتظار خیالی است که عاقبت ان فقط مانند تخیلات و کوشش حامد کرزی می باشد که تمام استعداد سیاسی خود را بیهوده در همین راه آشتي با طالبان سپری نمود با وجودیکه خانواده وی قربانی طالبان شد.
در میان طالبان سیاست ها مختلف در جریان است هر کدام باید جدا گانه بررسی و ترمیم گردد و در عین حال باید بالاي منافع همه فکر شود و باید تمام ضرورت های انساني داخل افغانستان و کشور های همسایه در نظر گرفته شود، ورنه گرفتن توازن با مجموع همسایه ها شرق، غرب، شمال و جنوب مشکل خواهد بود.
و در ضمن نباید نقشه های منفی همسایه ها را نادیده گرفت.
اگر از شروع آغاز نمایم:
دلیل ظهور طالبان را باید تحت مطالعه بگیریم که چرا پیدا شدند بدون اینکه همسایه ها را مقصر بسازیم، و کمك های کشور های بزرگ و یا همسایه ها را مد نظر بگیریم.
چرا همه طالبان یکبار همدست شدند؟
چون آغاز یك انقلاب و یا حرکت تعین کننده سر نوشت چندین ساله یك کشور می باشد.
جواب این سوال معلوم است! ظلمت، وحشت، قتل، چور و چپاول کابل هنگام ورود تنظیم های ساخته شده پاکستان وایران.
همین مجاهدین بودند که تشنج را ایجاد کرده بودند تا بلاخره طالبان ایشان را فرار داد و مردم کابل بدون شناسایي که طالبان کی هستند، خوش آمدید گفته و از آمدن شان خرسندي نشان میدادند. در آن وقت گویا طوری آوازه بود که طالبان طرف داران ظاهر شاه هستند.
ولی وقتیکه داکتر نجیب را به قتل رساندند و شروع به لت کوب زنان و جوانان نمودند، آهسته، آهسته مردم از ایشان دل سرد شده طالبان را به دیده افغان نمی دیدند.
موضوع دیگر اینکه بعد از آمدن اسامه تعداد زیاد اخواني ها از مناطق عربي داخل کشور ما شده هدف بنیاد گرایانهٔ خود را خواستند جهاني بسازند، که به ناکامي مواجه شدند.
طالب ها به کمک مالي ضرورت داشتند، آمدن عرب ها را در زمان حکومت خود ضروري دانسته قدرداني مي نمودند.
زمانیکه حمله ناتو در افغانستان بعد از یازده سپتمبر صورت گرفت در اثر مقاومت طالبان در برابر نظامي های امریکا تعداد زیاد شان کشته شدند و یا فرار داده شدند و یك تعداد تسلیم قوایي نظامي امریکا شدند. CIA تمام اسیر های جنگی را نزد عبدالرشید دوستم امانت گذاشتند تا به مناطق شان ارسال نماید، ولی افراد دوستم تمام اسیر ها را بعد از فیر گلوله از عقب کانتینر به خاطر نشان دادن ضد تروریزم هزار ها نفر طالب را کشته و بعداً مرده های طالبان را به طور دسته جمعي به دشت لیلی دفن نمودند.
اولین دسته طالب ها که دوباره اسلحه برداشته همین کساني بودند که دوستان شان در دشت لیلی دفن گردید، و به خاطر انتقام از عضو فامیل های خود جنگ را به مقابل دولت افغانستان شروع کردند. همین طور آهسته، آهسته تعداد طالبان زیاد شده رفت و به چندین گروه تبدیل شدند:

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنیزې بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکي په ځیر و لولئ

طالبان گروه اول:

امروز اقارب همان طالبان دفن شده دشت شادیان به خاطر انتقام گرفتن هزار ها نفر طالب که در دشت شادیان دفن شده اند، طالب شده می خواهند از حکومت و اشخاص وابسته به دوستم را از بین ببرند.

طالبان گروه دوم:

جوانان مدرسه ها پاکستان که فقط به خاطر جهاد و جنگ علیه کفار در سال ها پیش تربیه شده بودند تعداد زیاد شان اسیر، کشته و یا مفقود است و تعداد زیاد شان واپس با طالبان یکجا در جنگ در جهاد و شهادت هستند.

طالبان گروه سوم:

شعار ها منفی که از طرف علاقمندان احمد شاه مسعود بر ضد پشتون ها داده می شود، یکتعداد محدود پښتونها را در مبارزه ضد مسعودیان در صفوف طالبان قرار داده اند.

طالبان گروه چهارم:

يك تعداد دیگر که کار بار و مصروفیت ندارند و به خاطر به دست لقمه نانی با طالبان همکاری مینمایند.

طالبان گروه پنجم:

يك تعداد از مردم که متشکل از تمام اقشار و ملیت ها می شود که در تمام ولایت های افغانستان وجود دارند، ایشان اسلحه برداشته با داشتن بیرق سفید طالبان در نبرد اند و هدف مبارزه ایشان فقط مخالفت نشان دادن با دموکراسي و استبداد می باشد.

طالبان گروه ششم:

کارکنان استخبارات خارجي، به خصوص استخبارات ایران و پاکستان هستند که سه هدف مشخص دارند:
۱ـ گرفتن اب ها دریا افغانستان، و تخریب نمودن مجموع پلان ها بند و برق با جمله انکشافات زراعتی.
۲- فروختن اجناس شان در بازار ها افغانستان.
۳- مسدود نگهداشتن راه های تجارتي آسیا از طریق افغانستان.
هر گروپ و هر دسته اندیشه های خاص خود را دارد. دولت مرکزی افغانستان در صورتیکه می خواهد تفاهم با طالبان نماید، باید برای هر مفکوره و هر رقم طالب کمسیون جدا گانه تشکیل داده و هر اندیشه را تحت برسی داده و تحقیق نمایند که کدام گروه طالبان را باید چگونه قناعت داد؟
اینکه همه شان تحت يك بیرق سفید هستند، صرف مخالفت خود را علیه دولت نشان می دهند دیگر کدام دستور و هدف مشخص مشترك در بین ندارند.
مجموع طالبان اصلاً از همدیگر خبر ندارند که کی در کجا است، تنها طالب ها هم منطقه در مخابره با هم حرف مي زنند که از دوران حکومت طالبان نزد شان مانده است دیگر کدام دفتری مرکزی و یا جلسه مشترك تحت يك فرمان ندارند و تحت يك اندیشه واحد جمع نیستند. انتظار صلح و آمدن طالبان و یکجا شدن با نظام این فقط يك خیال و جنون است. کسانیکه از سیاست حرف مي زنند و شعار سیاسي می دهند آن هم در قبال افغانستان که دشوار ترین کشور جهان در حل سیاسي است باید نخست تعریف و استفاده سیاست را مطالعه نمایند بعداً این موضوع مغلق سیاسي را که از چند رقم موضوع مختلف تشکیل شده، روی کار گیرند.

پایان

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنیزې بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکي په ځیر و لولئ